

الف) خاستگاه نظریه ها

نظریه ها برای توصیف، توضیح، پیش بینی و تجویز درباره روابط بین پدیده ها یا دنیای اطراف ما استفاده می شوند. ذهن انسان در فرایند شکل گیری نظریه ها نقش غیر قابل انکاری دارد. به عبارت دیگر خاستگاه اصلی نظریه ها ذهن انسان می باشد. این بدین معنی نیست که ذهن ما بدون تماس با واقعیت‌های بیرون، در یک خلاء و بریده از واقعیتها نظریه سازی می کند، بلکه تدبّر، تفکر، دقت و سؤال درباره پدیده های بیرونی ذهن را برای نظریه سازی آماده می کند. هرچه بیشتر ذهن ما درگیر پدیده ها و روابط بین آنها باشد، هرچه بیشتر در پدیده ها و روابط بین آنها دقت کنیم و هر چه بیشتر در رابطه با پدیده ها و روابط بین آنها سؤال کنیم ذهن خود را بیشتر برای نظریه پردازی آماده می کنیم.

در مسیر نظریه پردازی گاهی ممکن است نظریه های قبلی خمیر مایه نظریه های جدید قرار گیرند. بدین معنی که ممکن است نظریه های قبلی محرک مشاهده، تفکر و دقت در پدیده های موجود در این نظریه ها شوند و سؤال یا سئوالات جدیدی را ایجاد کنند. با این وجود، نظریه پردازان نباید خود را در نظریه های گذشته غرق کنند؛ در این صورت کمتر امکان زایش نظریه های جدید تر فراهم خواهد شد. قبلاً گفته ایم که ظهور هر نظریه - بدون توجه به این که چه مقدار شواهد بر له یا علیه آن وجود دارد- میدان وسیعی را برای تلاش علمی فراهم می سازد. بنابراین، در توجیه رابطه بین نظریه و توسعه علم، درستی یا نادرستی نظریه مطرح نیست، بلکه صرف ایجاد نظریه نقش اصلی در توسعه علمی را به عهده دارد. به هر حال، در شکل گیری نظریه ها، چه این نظریه ها بدون سابقه قبلی به وجود بیایند و یا از نقد و بررسی نظریه های موجود به وجود بیایند، ذهن انسان نقش فعال و تعیین کننده دارد.

پدیده ها در خارج از ذهن ما وجود دارند. فقط کسانی که در این پدیده ها و روابط بین آنها فکر می کنند، دقت می کنند و سؤال می پرسند پیشتازان نظریه پردازی در جهان هستند. به همین دلیل است که تعداد اندکی نظریه پرداز در دنیا به وجود می آید. این افراد از کنار پدیده ها به آسانی، بدون دقت، تفکر و سؤال عبور نمی کنند. این تنها تفاوت نظریه پردازان با دیگران می باشد.

در شماره های قبلی اشاره کرده ام که توسعه علمی بدون نظریه پردازی غیر ممکن است. اکنون که در کشورمان یک دعوت عمومی به جنبش نرم افزاری و توسعه علمی به عمل آمده است، ضروری است که دانشمندان و دانشگاهها نظریه پردازی را جدی بگیرند. مهم ترین حرکت از دید نویسنده عبارت است از این که اساتید به جای پر کردن ذهن دانشجویان از دانش آماده، ذهن دانشجویان خود را برای نظریه پردازی آماده کنند. نظریه پردازی را نمی توان به دیگران تزریق کرد، باید برای فراهم کردن بستر مناسب برای نظریه پردازی، دانشگاه ها تلاش های بی وقفه ای را آغاز کنند. لیس للانسان الا ما سعی قران کریم.

ب) نظریه پردازی یک سفر بی پایان

از حرف درباره نظریه پردازی تا تحقق آن در گستره محیط های علمی فاصله زیادی وجود دارد. ممکن است به آسانی درباره نظریه پردازی بحث کنیم ولی نظریه پردازی به همین سادگی نیست. حرکت نظریه پردازی یک حرکت بلند مدت و طولانی است. این از ماهیت نظریه ها ناشی می شود. از زمان ظهور نظریه در ذهن یک فرد تا گسترش و تثبیت آن در جامعه علمی طرفدار آن، یک عمر زمان نیاز است. یک نظریه ممکن است قبل از انتشار آن محتاج سال ها مطالعه و تتبع علمی باشد. پس از انتشار نظریه نیز زنجیره ای از تلاش های علمی در جهت نقد، پالایش، رد، اصلاح، تکمیل و تثبیت آن آغاز می شود. در جریان این حرکت گسترده که ممکن است تعداد زیادی از علمای رشته های علمی مختلف را شامل شود، زایش های جدید ذهنی مرتبط با نظریه ارائه شده پدیدار می شود که هر یک از آنها چرخه های تازه ای از حرکت علمی را ایجاد می کنند. با این توصیف، نظریه پردازی یک سفر بی پایان است. اگر دانشگاه ها درگیر فرایند نظریه پردازی شوند، خواه ناخواه کشور درگیر یک حرکت علمی بی پایان خواهد شد. در این صورت دورنمای مقام معظم رهبری برای پیشرفت علمی کشور مبنی بر مرجع علمی جهان شدن در پنجاه سال آینده، تحقق خواهد یافت.

ج) نظریه پردازی و عمق تلاش های علمی

در حال حاضر به کمیت ها در رابطه با توسعه علمی توجه ویژه ای داریم، برای مثال تعداد مقالات چاپ شده در نشریات معتبر علمی جهان را ارج می نهیم. اگرچه نباید این دستاورد ها و توفیقات علمی را نادیده بگیریم، ولی این به هیچ وجه کافی نیست. اگر به سمت نظریه پردازی

برویم، تولید نظریه خود به خود به گذر از کمیت ها - که من آن را در شرایط جاری لایه قشری توسعه علمی می نامم- و وارد شدن به کیفیت یا عمق توسعه علمی کمک خواهد کرد. در واقع نظریه پردازی به توسعه علمی اصیل که ریشه در تلاش های علمی دانشمندان و مراکز علمی کشور عزیزمان خواهد داشت، منجر می شود. اگر می خواهیم روزی مرجع علمی جهان شویم، باید نظریه پردازی در اولویت توسعه علمی کشور قرار گیرد. در پرتو نظریه پردازی است که می توانیم راه خود را برای رسیدن به قله های علم و دانش هموار سازیم. امروز اغلب مراکز علمی ما دنباله روی کشور های پیشرفته علمی هستند و حتی علمی هم که تولید می کنیم، زمانی می پذیریم علم است که پای سند علمی ما را غربی ها امضاء کنند. نظریه پردازی ما را به تکیه بر داشته ها که در رأس آنها فرهنگ عینی اسلامی و نبوغ و استعداد ایرانی است ترغیب می کند. بازگشت به خویشتن، رفع موانع فکری و اجرایی و تحول در نظام های آموزشی کشور، اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی، و پشتکار و ثبات قدم در تلاش علمی تنها راه پیش روی ما است. نباید فرصت های گرانبهایی را که در اختیار داریم هدر دهیم.